

معماری قاجاری در سفرنامه ذهابیه قم و فهرستک لغات و ترکیبات کمیاب آن

سید محسن محسنی

مقدمه

علی آبادنامه یا سفرنامه ذهابیه قم نوشته محمد کاظم خان کاشانی به کوشش جناب حسین مدرسی طباطبایی در ملحقات چاپ دوم تاریخ دارالایمان قم، نوشته محمد تقی بیگ ارباب (قی) بدون ذکر نام ناشر و تاریخ همراه با چند رساله دیگر مربوط به قم در سال‌های نخستین دهه پنجاه نشر گردیده است. تعداد صفحات این رساله در چاپ مذکور ۶۳ صفحه می‌باشد. کوشنده محترم مقدمه‌ای کوتاه اما پرمغز نیز در حدود ۵ صفحه بر متن چاپی افزوده است که جمعاً صفحات ۲۰۷ تا ۲۷۴ مجموعه مذکور را دربرمی‌گیرد.

این رساله از زمره رسائلی است که در توجیه ساختن راه جدید تهران-قم در زمان میرزا علی اصغر خان امین السلطان وزیر مشهور ناصرالدین شاه نگاشته شده است، آن را محمد کاظم خان کاشانی به قلم آورده است.^۱ ما از احوال نویسنده اطلاعی نداریم، لیکن توصیف دقیقی که از ساختمان‌ها و تأسیسات بین راه که بعضاً هم اینک وجود خارجی ندارد، به دست داده است، رساله مذکور را درخور توجه می‌سازد. وی در این جایگاه از واژه‌ها و عباراتی استفاده می‌نماید که خواننده آشنا با ادوار نشر فارسی و متن‌های مرسوم این روزگار

۱. فهرست این کتابچه‌ها و رسائل و منابعی که متضمن این موضوع اند در مجالی دیگر به دست داده می‌شود.

و حتی زمان نگارش پاره‌ای از آن‌ها را کمتر دیده یا اصلاً ندیده است. این امر، استخراج این لغات و ترکیبات را خاطر نشان می‌سازد. از این رونوشتار حاضر به این مهم اختصاص دارد. خلاصه‌ای از ماجرای ایجاد راه مذکور در مقدمه کتابچه زرین قلم آمده و در شماره ۷۱ (بهار ۱۳۹۲) مجله حاضر با عنوان کوتاه «گزارش راه جدید تهران-قم» و تفصیلی «کتابچه در تعریف/گزارش راه جدید از دارالخلافه تهران تا آستان ملک پاسبان حضرت معصومه علیها السلام» به چاپ رسیده است و فعلاً به همین اندازه بسنده می‌گردد. اما کوشنده محترم از رویداد ناگواری نیز یاد می‌کند که خواندن آن عبرت آموز است:

اقدام اسف آور دیگری که در اجرای طرح تغییر جاده معمول گردید و آن را در حد خود باید جنایتی بزرگ خواند ویران ساختن بنای باستانی و بسیار مهم «دیر گچین» برای استفاده از مصالح ساختمانی آن در بنای مهمانخانه علی آباد متعلق به امین السلطان بود که به گفته حاجی نجم الملک (در سفرنامه خوزستان، ص ۱۸۱) مانند مدرسه اصفهان و دو برج ری از دست رفت. (مقدمه صص ۲۱۰-۲۰۹)

ایشان در ادامه می‌افزاید:

میرزا اصغر خان امین السلطان به سابقه مدفون بودن مادر خود در قم، سالی یک بار به این شهر سفر می‌نمود. رساله حاضر وصف یکی از سفرنامه‌های او به قم است که متضمن وصف دقیق همین راه احداثی و منازل میان آن و در جهت و مسیر تبلیغاتی است که به منظور پنهان داشتن و توجیه و «لوث» زورگویی و تعدی آشکار او در این مورد انجام پذیرفته است. این رساله سرگذشت و شرح وقایع چهار روز آغاز سفر مزبور است که از شنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۴ تا یکشنبه دوم ربیع الاول به طول انجامیده و آن را یکی از وقایع نگاران دستگاه او که در این سفر همراه وی بوده نگاشته و «علی آباد نامه یا سفرنامه ذهابیه قم» نام داده است. این اثر به خاطر وصف تفصیلی راه جدید و منازل آن به هر حال از مآخذ تحقیقی پیرامون وضع جغرافیایی و تحولات قم در دوره قاجار شمرده می‌شود و از این رو با آن که سراسر آن آمیخته به خوش آمدگویی نسبت به امین السلطان با قلم‌پردازی‌هایی سست بود به نشر آن بر اساس نسخه اصل (ش ۲۳۱۵ کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران) مبادرت رفت. (مقدمه صص ۲۱۱-۲۱۰)

علی رغم این، همان‌گونه که گفته شد نحوه توصیف بناها، کاروانسراها، حمام‌ها، قهوه‌خانه‌ها، پل‌ها، مهمانخانه‌ها، برج‌ها، قنات‌ها، آسیاها، باغ‌ها و حتی مناظر و عوارض طبیعی بین راه

و استفاده از لغات و اصطلاحات کمیاب و بعضاً نایاب در این مقام، توجه و التفات هر خواننده علاقمندی را جلب می نماید. برای نمونه او بالغ بر دو صفحه از رساله را به توصیف پل رودخانه شور که در هنگام بازدید در حال ساخت بوده - اختصاص داده است و دقتی که در این مورد به خرج داده - فارغ از مقصودش - ستودنی است. (صص ۲۲۶-۲۲۴)

توصیف ساختمان‌ها

وی جایی در چگونگی بنای کاروانسرای حسن آباد می گوید:

۱. وصف کاروانسرای حسن آباد

اما بنای کاروانسرا از سه طرف که شمال و جنوب و مغرب باشد، تماماً با سنگ‌های بسیار صاف خوب لبه دار و کج ساخته شده، پنج ذرع ارتفاع عمارت و جدران دارد. به طوری سنگ کاری شده که اگر با آجر ساخته می شد به این صافی و مستقیم نمی بود. ولی بقدر پنج رک با آجر و گچ چیده و ساخته شده برای حفظ از آب باران که پشت سنگ چین نیفتند. لیکن از طرف شرقی که جلو در و سردر کاروانسرا است، تماماً از گچ و آجر ساخته شده. وارد دالان کاروانسرا که می شوند طرفین دالان دو اطاق مقابل یکدیگر است. داخل صحن دور تا دور یعنی چهار ضلع مشتمل است به اطاق‌های یک دری، و دو زاویه ضلع غربی مقابل در کاروان سراد و خلوت است که می توان در آن‌ها منزل کرد. کلیه سی باب اطاق دارد. طول کاروان سراسی ذرع، عرض بیست و چهار ذرع، دور تمام کاروانسرا پشت اطاق‌ها سرتاسر طویله‌های عریض و طویل مسقف است، مشتمل بر طاق‌نماها برای بارانداز، و همچنین در چهار زاویه بر در هر دو طویله سکویی بسته شده، مشتمل بر چهار ستون برای منزل و بارانداز کاروانیان و زوّار. (صص ۲۱۹-۲۱۸)

در جایی دیگر در تعریف ناودانی در عمارت علی آباد بیان می دارد:

۲. وصف ناودان

بین این دو راه پله در وسط ارتفاع کرسی ذیل عمارت در دیواره زیر خرنده لبه دریاچه ناودانی سه ذرع طول، نیم ذرع عرض و یک چارک گردی میان، از یک پارچه سنگ حجاری شده، در عرض آن دیواره قرار داده‌اند که بالاتصال آب مذکور از دریاچه در آن ناودان ریخته و از آن جا زیر جاده راه آبی ساخته شده که آن آب به حوض قهوه‌خانه



می رود. این ناودان برای آن است که تمام حیوانات از آن ناودان به سهولت بدون آن که سر را به زیر آورده مخالف طبیعت و به کلال و ملال آب خورند، بلاشکال آب آشامند و همچنین اناس عابریین به غیر آن که داخل عمارت شوند از آن جا به آسانی و سهولت آب بردارند. (ص ۲۳۴)

در خصوص قهوه خانه علی آباد می نویسد:


۳. قهوه خانه علی آباد

اما برون قهوه خانه یعنی در قهوه خانه و جلو آن و دو اطاق طرفین صفت شمال غربی که جزو جلو و طرفین در قهوه خانه است، اولاً دری عالی آن جا گذارده شده مقابل و محاذی ایوان صدر عمارت، و طرفین در سکوی باریکی به عرض سه چارک بسته اند، برای هر که بخواهد وارد نشود، می تواند همان جا نشسته چاهی (چایی) بخورد و قلیان بکشد در حالی که عنان مال سواری خود را در دست داشته و معجلاً خواسته باشد برود در هر وقت از اوقات، یا آن که مسافر چنان خسته باشد که نتواند داخل قهوه خانه شود پیاده یا سواره همانجا چاهی (چایی) خورده و تدخین سیگار و قلیان کرده به کاروانسرا برود. یا آن که به کلی از این منزل بخواهد رد شود.^۱ (ص ۲۳۶)

نگارنده سفرنامه

گفته شد که از محمد کاظم خان کاشانی نویسنده رساله که از ستاینندگان و وقایع نگاران امین السلطان دوم بوده است، جز نام و رساله مورد بحث آگاهی بیشتر فعلاً در دست ما نیست.^۲ لیکن همین رساله نشان می دهد که او مردی آگاه بر هنر معماری و ساخت و ساز

۱. «این قهوه خانه اخیراً از کار افتاده بود بلکه در سفرهای بعدی دیدیم که آن قهوه خانه که در زیر جاده بود، از بین رفته. عوض آن قهوه خانه ای دیگری در بالای جاده متصل به اصطخر ساخته شده، این اصطخر و آن قهوه خانه سابق از بناهای میرزا علی اصغر خان اتابک بود و علی آباد به اسم او نامیده شده و حمای هم در جنب آن برای آسایش مسافریین ساخته بود. در سفر اول حمام موجود بود، گرچه درش بسته بود و کار نمی کرد ولی در سفرهای بعد از آن حمام و قهوه خانه اثری ندیدیم بلکه در مقابل آن قهوه خانه ای دیگر دایر شده است که فعلاً در کار است» جنگل مولی (سفرنامه قم، نگاشته شده در ۱۳۳۵ ه ق) شیرازی زنجانی (آیت الله)، سید احمد، مجموعه رسائل، زائر، قم، ۱۳۸۴، ص ۲۰۹.

۲. در مورخ ۹۱/۱۲/۱۰ با جناب افشین عاطفی پژوهشگر محترم کاشانی و کاشان پژوه (فرزند فاضل گرامی) 

و به تعبیر خودش در «تهندس» ماهر و چه بسا خود معمار بوده است. متن نشان می‌دهد که اوریاوسی و هندسه می‌دانسته و از این دانش‌ها در وصف ساختمان‌ها به خوبی استفاده نموده است. البته کوشنده محترم در قسمتی از مجموعه مورد بحث از محمد کاظم خان فرزند محمد حسین خان کاشانی یاد نموده که متصرف یک دانگ و نیم قریه علی آباد از قراء سراجیه قم بوده است و رساله‌ای مشتمل بر چند فرد و حکم شرعی در باب موقوفه بودن قریه مذکور در سال ۱۲۸۱ یا اندکی پس از آن نگاشته و در آن سه نسخه جمع و خرج آستانه مربوط به سال ۱۱۳۹، ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ را عیناً درج و ثبت نموده است. ایشان می‌افزایند، محمد حسین خان کاشانی پدر نگارنده این رساله باید همان حاکم قم در روزگار فتحعلی شاه مالک قریه زعفرانی سراجیه باشد. در احکام و ارقامی از فتحعلی شاه مربوط به دوره حکمرانی همین محمد حسین خان در قم - علی الرسم از او نام آمده است. (صص ۲۸۱-۲۸۲)

رساله مورد بحث آکنده از واژه‌ها و اصطلاحات ارزشمند معماری است، که قاعدتاً یک فرد عادی اطلاعی از آن ندارد و تنها یک شخص کاردان و باتجربه از آن‌ها آگاه است. پس درمی‌یابیم که امین السلطان به درستی او را جهت نگارش سفرنامه و به منظور مورد بحث انتخاب نموده است. همین امر رساله را به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند و کم‌نظیر در حوزه معماری سنتی قاجار درخور توجه و عنایت می‌کند. نوشته مورد بحث راجع به وقایع چهارروزه آغاز سفروی و شماری دیگر به قم همراه با وزیر مزبور است. او همراهان خود را این‌گونه معرفی می‌نماید:

للہ جناب حسن عاطفی (تلفنی تماس گرفته شد و از وی درباره محمد کاظم خان کاشانی درخواست اطلاعات شد. ایشان به جز محمد کاظم خان شیانی و شیخ محمد کاظم مجتهد که هر دو گویا قبل از تدوین رساله حاضر در گذشته‌اند و با محمد کاظم خان مورد بحث متفاوت‌اند، آگاهی بیشتری در اختیار نداشتند. مرحوم محمد تقی دانش‌پژوه از شخصی به همین نام این‌گونه یاد کرده است: «محمد کاظم خان کاشانی در ۱۲۵۵ قوانین السیاق خود را از روی نفائس الفنون و دو کتاب دیگر در یزد ساخته‌اند، یکی قطب الدین خسرو شاه نامی ساخته است. نسخه ملک ۲۴۲۴، نوشته ج ۱/ ۱۲۷۵) مطلبی کاشانی، نادر و غیره، حدیث عشق (دانش‌پژوه در قلمرو جستارهای نسخه‌های خطی)، دفتر اول، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳. اگر نگارشگر هر دو کتاب یکی باشد و رساله نخستین را در میانسالی و پیرامون چهل سالگی نگاشته باشد، هنگام نگارش رساله مورد بحث حوالی ۷۰ سالگی بوده است. البته در چنین سنی و در شرایط آن روزگار، توان مسافرت نمودن و نوشتن با این دقت و براساس مشاهدات عینی و اندازه‌گیری ساختمان‌ها با جزئیاتی که در رساله وجود دارد، ضعیف می‌نماید. هر چند می‌توان احتمال داد که نویسنده هر دو رساله با توجه به وحدت نام و هم‌روزگاری و این‌که موضوع رساله اولی از مباحث ریاضی است و مورد نظر در این امر متبحر بوده - یکی باشد.

اشخاصی که در این سفر میهمان جناب اجل هستند: جناب وزیر علوم، آقای ناظم خلوت، آقای میرزا محمد خان، حاجی محمد حسن امین‌الضرب، حاجی میرزا حسین ممیز، آقا میرزا احمد منشی باشی، حاجی کربلایی^۱، آقا میرزا حسین مداح کرمانی. (ص ۲۱۳)

دقتی که نویسنده در وصف موضوعات و بیان جزئیات در شرایط آن زمان و آن هم در مدت چهار روز مصروف داشته هر چند رساله را پس از پایان مسافرت نگاشته است، خواننده امروزی را به آگاهی‌هایی رهنمون می‌کند که اگر رساله حاضر نبود، آن‌ها را در دسترس نداشت. به هر حال نویسنده شخصی دقیق و پرحوصله بوده است.^۲

حکایات بین راه

حکایاتی نیز که ذکر کرده، خواندندش خالی از لطف نیست. یکی «تظلم در منزل منظریه» که پیش از این در مجله راهنمای کتاب سال دوازدهم، صفحات ۶۹۳-۶۹۱ چاپ شده است. (مقدمه، ص ۲۱۱)

دیگری مربوط به قراسوران (محافظان) خاک تهران است، که به ذکر آن‌ها مبادرت می‌رود. پیش از این‌ها تکه‌ای در خصوص «وضع و هیأت» آقا باقر سعد السلطنه مدیر راه مذکور نگاشته که نمکین است، و در پی می‌آید:

۱. وضع و هیئت آقا باقر مدیر راه

ناگاه آقا باقر از سرپل معجلاً مستقبلاً وارد. وضع و هیأت ظاهر و چگونگی برزخ و صورت آقا باقر:

موی سر و ریش از بی‌حمای و بی‌خضابی سفید، رنگ روی از تابشات و حرارت آفتابی سیاه هم چون عبید، از بی‌اصلاحی و بی‌اعتنایی مانند کیکاهای الوار

۱. حاجی کربلایی دلقک امین‌السلطان بوده است (ص ۲۷۵).

۲. عبدالرحیم کلاتر ضرابی، مؤلف *مرآة القاسان* یا *تاریخ کاشان* که آن را در «۸-۱۲۸۷ق» نگاشته است (چاپ ایرج افشار، امیرکبیر، ۱۳۵۶) در ذکر خاندان‌های مشهور کاشان، از شش محمدکاظم نام می‌برد که از آن‌ها به جز همنامی و اقتران زمانی و همشهری بودن، که در همه‌شان مشترک است، نشانه دیگری که بتوان یکی از آنان را نویسنده رساله حاضر دانست، به دست نمی‌آید. بنگرید به صص ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۹۱، ۳۹۳، مأخذ اخیر.

که کیلویه و خوانین اتراک قشقائی، شلوار شلخته سرداری کهنه، گیوه بغل دریده و یخه پیراهن پاره و چرک و چکنه، از عرق و گرد و غبار صحاری و برار از بی سامانی و پیریشانی اگر او را کسی نمی شناخت، می پنداشت عملاً قمی است یا بنای کاشانی. به وضع و هیئتی و به ترکیب و صورتی که به تحریر و تقریر نمی آید. (ص ۲۶۴)

۲. حکایت محافظان راه تهران

قریب به میهمانخانه کهریزک کاروانسرای با دکان بقالی دیده شد که پنج نفر قراسوران خاک تهران آن جا بودند با لباس های مندرس که به وصف نمی آید. اسب هاشان به طوری لاغر که قوه حرکت نداشتند. از آن ها سؤال شد که این چه حالتی است؟ گفتند ما مأخذ معیشتی نداریم به جز جیره و مواجب و به مانه جیره می رسد و نه مواجب. گفتیم چرا تفنگ ندارید؟ گفتند تفنگ ها نزد بقال گرو است! نه ما را می گذارند بر سر خانه خود رویم و نه نان و آب و نه علیق به ما می دهند. در این صورت چگونه می توانیم حافظ راه باشیم. باز گفتیم پس چگونه معیشت می کنید؟ گفتند این جاها مرغابی و بعضی طیور دیگر هستند، حضرات فرنگی این جا به شکار آمده، ما آن ها را خدمت می کنیم آن ها گاهی معیشت ما را متحمل می شوند.

حاجی امین الضرب حاضر بود به ایشان گفتند بنابراین خوب است دزدی کنید! یکی از آن ها به رسم ترکان که هر وقت فارسی می گویند ضمیر متکلم را به طور خطاب ادا می کنند گفت اگر دزدی کنیم پدرت را می سوزانند! همراهان همه خندیدند که حاجی را من غیر مقصود شخص قراسوران فحش داد.

(ص ۲۱۵)

۳. واقعه در اویش:

بعد از ختم کلام احضار شام شد. ناگاه متظلماً از خارج مهمان خانه گفتگویی و در آبدارخانه هیاهویی مسموع که کسی به دادخواهی و پناه جویی آمده و از حضرات قراسوران ها ممنوع است. جناب اجل امر به احضارش فرمودند.

چون وارد شد دیدیم جوان مردی یزدی به شیوه و شیمه درویشان، در اقوال و احوال سراسیمه و پیریشان، با اضطراب و التهاب بسیار از روی عجز و انکسار اظهار داشت که امروز در عرض راه کوشک نصرت و منظریه بعد از آمدن شما که هر یک از فقرا را

اطعام به طعامی و مستفیض به فیض و انعامی فرمودید پنج شش نفر از قلندران اوباش و بی‌پا و سران نباش و نره‌گدایان کلاش و زندان پایند گسسته قلاش و غولان از کارگریخته ناتراشیده ناخراش، که الحال به صورت و کسوت درویش و بالمآل و حقیقت کلاه‌بر و کیسه‌بر و شارب حشیش، الدنگان بی‌شرم و حیا و بندگان سراپا خطا، ...^۱ بنگیان به بنگ مفتون، وافوریان مبهوت از افیون، ملبس به لباس و کسوت درویشان بی‌خبر از طریقه و حالت ایشان، و مصوّر به صورت سیاحان، بی‌اثر از سیر و سیاحت آنان، این لاتان بی‌باک و لوطیان سینه‌چاک، این قماربازان پاک‌باخته و ...^۲ خراب به لباس اولیاء خود را ساخته پناه به این دو کسوت و عنوان آورده تا این که حامل هر ممنوع و منکری که باشند و فاعل هر خطیئه و سیئه‌ای که گردند هم از تحذیر شرعی امام مصون و هم از تادیب عرفی حاکم عرف مأمون بوده. از حضرت عبدالعظیم با این گدامنشان لثیم و تبعه شیطان رجیم و منحرفان از طریقه مستقیم همراه و هم قدم و هم صحبت و همدم شدیم.

در ضمن مصاحبت و مراقبت در این طی زمان و مدت و قطع مسافت از حضرت عبدالعظیم تا کوشک نصرت از بعضی مکالمات و علامات و برخی حکایات و روایات من استنباط و درایت کردند که پول دارم و دارای درهم و دینارم. اما آقا جان چه درمی و چه دیناری؟ در مدت مدیدی و عهد بعیدی که از یزد تا طهران با حالت پریشان فلوس فلوس از افراد نفوس و یک پول یک پول از هر ظلوم و جهول، اما در طهران قران قران از هریاور و سلطان و شاهی شاهی در سر هر خیابان و راهی به تکدی و اصرار و به تعدی و خرگدایی، به بی‌آزمی و بی‌حیایی جمع و خود را از خرج و خوردنش منع کردم تا آن که مبلغ و مقدار و شمار درهم و دینار بعد از تعب و رنج بسیار هشتاد قران یعنی هشت تومان شد. این وجه را برای سفر زیارت کربلا گذاشته و خود را از خرج کردنش به زحمت و ریاضت و اداشته، زیروصله خرجه پنهان و وصلت دیگر بر آن دوخته، در دل بر از دیادش لیلاً و نه‌را آتش افروخته و برای صیانت و حراستش خفاءً و چهارادلق تن را سوخته.

۱. دو جمله حذف شد.

۲. دو کلمه حذف شد.

این وجهی را که به وجه مذکور و به وصف مسطور بدست آورده بودم این ظالمان بی مروت و این کافران بی ایمان بی ملت^۱ امروز از چنگم درآوردند به این وضع که یک نفر مرشد و مطلوب و بقیه مرید و طالب، یک نفر آمر و حاکم و بقیه مأمور و محکوم، پس از آن مرا گرفتند و در این وادی دور از آبادی نزد مرشد به پا داشتند و در موقف پیر مانند اسیر رسته ای برگردنم گذاشتند. یکی به نادر ویشی به گواهییم ایستاد - دیگری شهادت بر بی پیری و بی راهیم داده، یکی گفت دزد راه درویشان است - دیگری گفت به ناحق خورنده لقمه ایشان است، یکی گفت غول است دست درویش بر سرش نرسیده - دیگری گفت مجهول است پیر و مرشد ندیده، یکی گفت باید چست و برهنه اش نمود - دیگری گفت باید داغ آهنش فرمود، یکی گفت منافق است سنگ بر سرش سوار باید کرد - دیگری گفت خطار کار است به گیسو آویخته بایدش به دار زد. عاقبت الامر مرشد متمسک به حدیث نبوی شده که «قتل المودی قبل اذائه»^۲، مریدان متشبث به شعر خواجه شیرازی شده که:

پیش درویشان بود خونت مباح گرنسازای مال خود در ره سیل

پس از آن مرشد با مریدان متفق بر کشتن من شدند. کاردی را صیقل زده آماده و بندی بردست و پایم نهاده، من چون مرغ بسمل دل به کشته شدن در داده، یکی از آن میان وساطت کرده که آن چه مال فقرا نزد اوست تسلیم می کند. چون گذشت شیوه فقراست و عفو و بخشش شیمه آنهاست، مرشد از او گذشت کند. من از بیم جان و ایمنی از دست آن ظالمان وجه را به ایشان نشان داده پول را از خرجه بیرون آورده، مراها کردند. اینک هر پنج شش نفر در کاروان حاضر و شما در گرفتن حق من از آنها قادر.

فی الفور جناب اجل امر به احضار آن طراران فرمودند. بزودی چهار نفر از آنها را حاضر نمودند. یکی از آنها در قدیم الایام قاطرچی بوده، همان وقت که فهمیده بود درویش یزدی خدمت جناب اجل برای عرض حال رفته فرار نموده، هر چه تفحص

۱. «ملت» را به معنای دین به کار برده است.

۲. کذا.

و تجسس کردند و او را نیافتند. از قراری که نشانی دادند شخص قاطرچی از رانده‌های قاطرخانه بوده که چند سنه قبل جناب اجل او را اخراج از قاطرخانه فرموده بودند ولی چون جناب اجل از شرارت و طراری و دزدی او مطلع بودند، بسیار مبالغه در تجسس او کردند، که شاید پیدا شود و او را به کیفر و سزا برسانند.

۴. محاکمه در اویش:

باری در استنطاق، آن چهار نفر به حدی عجز و زبان بازی کردند که از برای حضار شبهه پیدا شد که شاید درویش عارض کاذب باشد در ادعا. جناب اجل که مظهر اسم «یا ستار» و مصداق حدیث قدسی «یا غوث الاعظم! کن رائفاً علی البریه» اند و از رحمت رحمانی که جبلی و غریزی ایشان است مصمم شدند که در اویش راه‌ها نمایند و ترحمی در حق جوان عارض فرموده، قصه را کوتاه کنند، جناب مستطاب وزیر علوم که مظهر اسم «یا جبار» که به معنی تلافی کننده است و متحقق به مصداق «ولتعرفهم فی لحن القول» بودند فرمودند: درویش عارض مظلوم و صادق در ادعا و آن نادر و ایشان خاطی ظالم و عامل مدعا. آقا باقر که مظهر اسم «یا قاهر» و در شناسایی غولان بیابانی و طراران و عیاران صحرائی و کوهستانی ماهر، از جناب اجل استدعا نمود که رفع غائله را به من واگذار فرمایند تا صدق و کذب را معلوم و احقاق حق را از ظالم برای مظلوم نمایم. جناب اجل به او واگذار فرموده، شام حاضر شد.

بعد از صرف شام هنوز قهوه صرف نشده، که آمدند و گفتند پول درویش از پیش آن نادر و ایشان درآمد. کیفیت حال را از آقا باقر سؤال نمودند. عرض کرد: حضرات را بدست قراسوران‌ها دادم و در ضمن آن‌ها را به اندک تعذیب و زجر امر کردم. قراسوران‌ها به اندک فشار آن‌ها را به اقرار آوردند که پول زیر تل سرگینی که در فلان طویله کارونسرا است مخفی کرده‌ایم. قراسوران‌ها پول را به عینه بیرون آورده، اینک پول را حاضر هر چه امر فرمایند عملی شود.

درویش صاحب پول را حاضر کردند، وجه وی را به او رد کرده، جناب مستطاب وزیر علوم دو تومان بر مبلغ پول درویش افزودند و جناب اجل مأموری همراه این بیچاره فرمودند که او را به قم رساند و به زیارت عتبات مشرف شود. آقا باقر خواست آن نادر و ایشان را به کیفر و سزا رساند، چون آن‌ها پناه به کسوت درویشان برده بودند اذیت

آن‌ها را شوم و مذموم دانستند. چند سوار مأمور شد که آن‌ها را از خاک قم اخراج نمایند. بعد از صرف قهوه در بسترهای راحت غنودیم. (صص ۲۶۸-۲۶۵)

مواضع انتقادی

علی‌رغم روش ستایشگرانه نویسنده، او در چند موضع از زبان امین‌السلطان یا خود، دیدگاه‌های انتقادی نیز ارائه داده است در خصوص میهمانخانه کهریزک می‌گویند:

۱. مهمان‌خانه کهریزک

لیکن وضع حالی عمارت: سقفی یا درگاهی دیده نشد مگر خراب و شکست خورده، آب انبار وسط حیاط فقط زمین را گود کرده‌اند و روی آنرا با نیمه‌آجر طاقی زده‌اند یک لایی، هیچ آهک و ساروجی بکار نرفته که آب بندی شود. یادوامی کند. تصور کنید میهمان‌خانه دولتی به این طور می‌شود بنا کرد و دایر داشت؟ خلاصه ما پس از تجسس و تماشای دیگر جرات مکث نکردیم ترسان و لرزان بیرون آمدیم. تعجب است که چرا باید به این تقلبات خلاف تهندس، مهندس و سرکار به سزای خود نرسد. در نفس الامر در این مهمانخانه هر که بیتوته کند کمال جرأت و جسارت نموده. (ص ۲۱۶)

در خصوص پل تازه‌ساز که نزدیک کاروانسرای حسن‌آباد و کارمهندس الممالک بوده است، می‌گوید:

۲. پل حسن‌آباد

نزدیک کاروانسرای پلی است که نیز تازه ساخته شده از بناهای میرزا نظام که الحال شکست خورده، خراب است. باید بکلی منهدم نموده و مجدداً بسازند چون وقت عبور خطرناک است. (ص ۲۱۷)

درباره علی‌آباد و کاروانسرایش از زبان امین‌السلطان اظهار می‌دارد:

۳. کاروانسرای علی‌آباد

کاروانسرا به سرکاری و تهندس مهندس الممالک الحق برای مسافران طرفه جایی و برای کاروانیان نیکوسرایی است. لیکن جناب اجل بعد از اتمام خلاف تهندس در این بنا یافتند و بازهمات زیاد و اخراجات بسیار رفع نقص و خلاف تهندس را فرمودند. خلاف تهندس این که مهندس الممالک بنا را در مسیل نهاده بود، بعد از حفر خندق و سیل برگردان و خرج فراوان کاروانسرا را از رهگذر بلا نجات دادند. (ص ۲۲۹)

۴. انتقاد از تخریب دیر گچین

دیگران که در طرف غربی کاروانسرا به مسافت شصت قدم معدن سنگی قابل و به مسافت صد قدم معدن گچ بوده، ایشان بی تفقهی و بی توجهی نموده سنگ و گچ بنای کاروانسرا از کاروان [سرا] سنگی که در یک میدانی آن جا است آن بنای قدیم که از ابنیه عتیقه عجیبه و برپا بودنش به جهت عوام و خواص صد هزاران نفع و خواص و برای هر مجاور و مسافری منزلگاه و مناص، این بنای محکم متقن را با صد هزار مشقت و عذاب خراب کرده و گچ و سنگ آن جا را حمل و نقل از آن جا نموده و گچ مرده را دوباره طبخ کرده در بنای این کاروانسرا به کار برده. زهی تهندس و معماری، خهی تفقه و سرکاری! (صص ۲۳۰-۲۲۹)

برای تفصیل انتقاد او به تخریب کاروانسرا سنگی باید صص ۲۵۰-۲۴۴ رساله دیده شود. دیگر مواضع انتقادی او در صص ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۷۲ آمده است.



جلوه‌های معماری

همان گونه که گفته شد، دقت و نحوه توصیف بیان جزئیات راه مورد نظر و شرح و طبیعت و محیط مسافرت و وقایع بین راه و ابنیه و تأسیسات آن، خواننده علاقمند را بخود جلب می نماید. تنوع ساختمان‌های توصیفی و بیان چگونگی عوارض طبیعی و غیر طبیعی بین راه نیز توجه برانگیز است. او در این رساله جاده و آن چه خود «خط جاده» نامیده و به عبارتی ابتدا و طول و مسیر جاده است، کاروانسراها، میهمانخانه‌ها، پل‌ها، سدها، قلعه‌ها، چشمه‌ها، قنات‌ها، آب انبارها، قهوه‌خانه‌ها، انبارها، حمام‌ها، دکاکین، آسیاها، باغات، باغچه‌ها، مزارع، معدن‌ها، کوه‌ها، کویر و دریاچه بین راه، برج‌ها و... را با دقتی تحسین برانگیز توصیف و شرح نموده است و در این مقام «فراز و شیب» راه، معمار، بنا، سرکار، میز، محاسب، عمله، کوره‌پز، حجار، مقنی، گچ‌پز، سنگ‌کش، شن‌کش، نوع سنگ‌ها و نحوه حجاری آن‌ها، تعداد دهنه‌ها و چشمه‌ها، پایه‌ها، پی‌ها، پله‌ها، مصالح ساخت، طول و عرض و ارتفاع عمارات که به ذرع بیان کرده. سردر و درگاه، ایوان‌ها، صدفه‌ها، میل‌ها، سکوها، ستون‌ها، کرسی عمارات، نحوه درختکاری، باغچه‌بندی، نوع درخت‌ها و گل‌ها، آب و کیفیت و میزان آن، مسیل‌ها، نهرها، کوه‌ها، دره‌ها، آب‌ناها، ترکیب ملات، ملزومات و اسباب میهمان‌خانه‌ها... را نیز از نظر دور نگذاشته است.

در مقدمه توصیف پل رودخانه شور می گوید:

۱. پل رودخانه شور

بعد از تماشای آثار و علامات پل خراب هباء آمدیم بر سر پل جدید البنا. اولاً آن جا آبادی دیده شد وافی و کافی مشتمل بر قهوه خانه و دکاکین نانوائی و بقالی و علافی، جمیع و وسایل معیشت عمله و بنا با نهایت آراستگی و پیراستگی حاضر و مهیا، قریب به سیصد نفر بنا و عمله و کارگزار کوره پز و سرکار و میرزای محاسب و معمار همگی مستعد و مهیا در کار، ثانیاً پل را ساخته و پرداخته، با نهایت استحکام قریب به فراغت و اتمام یافتیم. بناها مشغول به دست انداز و لبه سازی و آجرکاری مبتدا و منتهای پل، و عمله ها اشتغال داشتند به شن ریزی و سنگ کشی برای سنگ بست روی پل، حجاران در حجاری میل های سنگی و ازاره های مثنایه پل نهایت صنعت خود را به ظهور می رسانند. کوره پزان از دود کوره هوا را تیره و تار... و جفت این نه طاق و هم طاقی نگونسار کرده، معماران بناها را به کار و داشته، سرکاران^۱ عمله جات را بیکار نگذاشته.

بر سر کوی صدق بازاری است و اندراو هر کسی پی کاری است. (ص ۲۲۴)

در خصوص پل تازه ساز نزدیک منظریه و وضعیت آن چنین می گوید:

۲. پل منظریه

تا آن که به سر پل جدید البنا رسیدیم. دیدیم تقریباً سیصد نفر عمله و بنا و سنگ کش و شن کش و گچ پز و معمار و سرکار، میرزا و محاسب از مغایر و مناسب، هر یک بر سر کار خود استوار دکاکین نانوائی و بقالی و علافی و قهوه خانه، بی دکان داری و غل و غش بهانه، امتعه لازمه این جمعیت مذکور را از داد و صاف به منصفه ظهور آورده و هیچ یک را برای معیشت مهمل و معطل و مهجور نگذاشته. چندین چادر قلندری برای بنا و سرکار و چندین آفتابگردان و نهارخوری برای محاسب و معمار. دستگاه آقا باقر مشتمل به چادرهای فاخر و پیشگاه قاهر باهرش برای هر بنای دغل و عمله تنبل و معمار باغش و سرکار مشوش عذاب الیم و نار جحیم.

۱. «را» بی زائد در این جا به نظر رسید که حذف گردید.

وضع منظمی و عظم محکمی در آن بیابان مشاهده شد که کمتر در آبادی و شهرستان دیده می شود. خلاصه پل را قریب الاتمام یافتیم. دوثلث روی پل شن ریزی شده مشغول به ثلث دیگر بودند. نصف دست انداز پل از طرفین تمام کرده، بناها و حجارها اشتغال به نصف دیگر داشتند. (صص ۲۷۰-۲۶۹)

پیشنهاد

با التفات به فوق و این که تعدادی از وضعیت ها و شماری از عمارات و تأسیسات هم اینک وجود خارجی ندارد،^۱ دانشجویان و پژوهشگران دوستدار معماری سنتی می توانند با استناد و عنایت و به متن رساله و عکس های احتمالی موجود از جمله عکس های هوایی که از سال ۱۳۳۴ موجود است - این وضعیت ها و ساختمان ها و مستحدثات را با رایانه بازآفرینی نمایند. نوشتنی است که فاضل محترم جناب صادق حسینی اشکوری مدیر محترم مجمع ذخایر اسلامی تصحیح رساله حاضر را بر اساس نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی در دستورکار داشتند، لیکن بعد از آن که ایشان را از چاپ جناب مدرسی مطلع کرد، کار را متوقف نمودند. البته نویسنده این مختصر پیشنهاد داد در صورتی که بر این امر اصرار دارند، چاپ جدید بر اساس تطبیق با وضعیت موجود و همراه با حواشی و عکس ها و فهرست های لازم باشد. جدا از این، با وجود دقت نظر و زحمات و تلاش های ستایش برانگیز حضرت مدرسی طباطبایی در خصوص تحقیقات راجع به شهر قم که بی تردید پایدار و جاودان خواهد ماند، و متأسفانه دیر زمانی است که از زمینه های کاری ایشان خارج شده است.^۳

با این همه چاپ موجود که در شرایط آن روزگار عرضه شده است، نیاز به حروف چینی و نشانه گذاری مجدد و افزودن فهرست و به تعبیر امروز بازچاپ دارد.

۱. از جمله حمام و قهوه خانه علی آباد که شرح از بین رفتن آن را پیش تر دیدیم.
 ۲. در کتابخانه کاخ گلستان تعدادی عکس قدیمی از این بناها وجود دارد. برای نمونه «عکس بناهای جدید الاحداث از حضرت عبدالعظیم تا حضرت معصومه علیها السلام، با شرح (ده سطر). ش ۱۱۰۹» صافی، قاسم، فهرست عکس های تاریخی ایران، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۷، صص ۱۹، ۲۰۵، ۲۹۳، ۳۹۰ نیز دیده شود.
 ۳. جنابشان در مقدمه کتاب ذیل *نقطة المصدور* به کوشش ایشان، که انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، آن را چاپ نمود، به تغییر روال و اشتغالات و طبیعت علایق علمی اشاره نموده اند. ص ۱۱. در ضمن لغات و ترکیبات کمیاب این کتاب نیز آماده گردیده است.



همان طور که از عنوان این گفتار برمی آید، لغات و ترکیبات کمیاب و نادری در رساله وجود دارد که لزوم استخراج آن‌ها را نشان می دهد. عمده این واژه‌ها و اصطلاحات ناظر بر حوزه معماری سنتی است. اما خارج از این حوزه نیز نو و کمیاب و نادیده واژه‌هایی وجود دارد که در فهرست حاضر از نظر دور گذاشته نشده است. امید دارد این فهرستک برای فرهنگ نگاران و واژه پردازان و لغت مداران به ویژه در حوزه معماری سنتی به کار آید و البته نظرات انتقادی و توضیحی و ارشادی خویش را جهت بهتر شدن کار به نشانی مجله ارسال دارند.^۱

توضیح

شواهد داخل دو کمانک (۱) خواهد آمد. عدد پس از شاهد، شماره صفحه‌ای است که شاهد از آن نقل گردیده است. بقیه اعداد شماره صفحه‌هایی است، که مدخل مورد نظر در آن‌ها تکرار شده است. توضیحات مختصر نگارنده را داخل کمان () می بینید. با التفات به قلم اندازهای مکرر و حذف فعل‌ها غالباً بدون قرینه، در نثر نویسنده، افعال مناسب مقام در داخل قلاب [] اضافه گردید.



۱. نگارنده، تحصیلات دانشگاهی در رشته زبان و ادب فارسی ندارد، اما از دوستداران این حوزه است و کار او خالی از عیب نیست. گفتنی است این نوشتار در اواخر زمستان ۹۱ تهیه شد و واژه‌ها و ترکیبات استخراج شده، بدون ذکر شاهد بود، لیکن در جلسه بررسی فرهنگ جامع زبان فارسی که در مورخ ۹۲/۳/۲۴ در قم برگزار شد، استاد دکتر علی اشرف صادقی تاکید بر استخراج لغات متون همراه با شواهد نمودند. در اجرای این امر شواهد نیز اضافه گردید.

فهرستک لغات و ترکیبات کمیاب

- آب بز: «از جلو که آب بر است به وضع مثلث مخروط کم شده تا منتهی به نقطه‌ای می شود» ۲۲۵
- «به منزله دو مثنایه است که آب بر جلو و معین و پشت بند پایه هاست» ۲۲۵
- آب بُرد: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده» ۲۷۰
- آب بندی: «هیچ آهک و ساروجی به کار نرفته که آب بندی شود» ۲۱۶
- آب نما: «روبروی آب نما محاذی دو زاویه باغچه تختی از دو پارچه سنگ ... قرار داده شده [است]» ۲۳۳، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵
- آبدارخانه: «اسباب قهوه خانه و آبدارخانه ... مهیا و آماده [است]» ۲۶۳، ۲۶۵
- آجر سفید قالب بزرگ: «یک آب انبار بسیار بزرگی ... تماماً از آجر سفید قالب بزرگ با آهک و ساروج ساخته شده [است]» ۲۱۸
- آجر قالب بزرگ حجیم: «اما آن چه آجر کاری شده از آجر قالب بزرگ حجیم است» ۲۲۵
- آجر قالب بزرگ: «سقف ها با آجر قالب بزرگ و گچ بنا شده [است]» ۲۷۰، ۲۱۸
- آجر کاری: «آن چه آجر کاری شده از آجر قالب بزرگ حجیم است» ۲۲۵، ۲۲۴
- آفتابه لگن برنجی: «تمام اسباب ملزومات مهمان خانه مثل ... آفتابه لگن برنجی و سماور با ظروف متعلقه و اسباب چراغ ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۵
- آفتاب گردان: «چندین ... آفتاب گردان و نهارخوری برای محاسب و معمار ... مشاهده شد» ۲۶۹، (فهرست عکس های تاریخی، ص ۱۸، آفتابگردان چسی هم داشته ایم، همان جا، ص ۱۹)
- آفتابی شدن: «از ابتدای پشته های قنات تا آن جا که آب آفتابی می شود» ۲۶۳
- آهک کاری: «پس از دقت معلوم شد که آهک کاری در ظاهر بندکشی شده وسط کار با گل ساخته شده [است]» ۲۲۴
- آهک و ساروج: «تماماً از آجر سفید قالب بزرگ با آهک و ساروج ساخته شده [است]» ۲۱۸
- اخراجات: «اما این جاده اخراجات زیاد دارد تا رفع صعوبتش بشود» ۲۱۵، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۵۹
- اخوه گرفتن: «مانند شیوخ جبل در اخوه گرفتن از حجاج مسلمانان مثل بوده اند» ۲۳۹
- اریاب حوائج: «پس از آن تمام اریاب حوائج را ... با نهایت مهربانی ... حوائج و مآرب هریک را بر آوردند» ۲۲۱
- اریاب خبره: «اریاب خبره و مقنیان از این دو خط احتمال کلی و امید آب فراوان دارند» ۲۶۳

- ارباب رجوع: «از ایلات و بلوک فشافویه و غار ارباب رجوع بسیار پیدا شدند» ۲۲۰
- اربابی: «آن جا را اعم از خالصه و اربابی منضبط نمایید» ۲۱۴
- آزاره: «حجاران در حجاری میل های سنگی و آزاره های مثایه دو مهار پل غایت صنعت خود را به ظهور می رسانند» ۲۳۲، ۲۲۴
- اسباب آبدارخانه: «اسباب قهوه خانه و آبدارخانه ... منظم و مهیا و آماده [است]» ۲۶۳
- اسباب آشپزخانه: «از حیث ملزومات و آمادگی اسباب اطاق های مسکن .. و اسباب آشپزخانه ... بعینه مانند میهمان خانه کهریزك [است]» ۲۱۹
- اسباب میز خوراك: «اسباب میز خوراك با ظرف ها و کارد و چنگال ها [است]» ۲۵۸
- اسباب میز خوراکی: «در تهیه و ملزومات و آمادگی اسباب اطاق ها مسکن و اسباب میز تحریر و اسباب میز خوراکی ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۹، ۲۱۶
- اشجار سفیدان: «به اشجار کبوده و سفیدار مشحون [است]» ۲۴۰
- اشجار کبوده: «حواشی جداول خیابان هاش به اشجار کبوده ... مشحون [است]» ۲۴۰
- اشجار زبان گنجشک: «حواشی جداول خیابان هاش و اشجار کبوده و سفیدار و زبان گنجشک مشحون [است]» ۲۴۰
- اصطبل: «اصطبل که سی رأس اسب گنجایش بستن داشت» ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۷۴
- ارباب رجوع: «از ایلات و بلوک فشافویه و غار ارباب رجوع بسیار پیدا شدند» ۲۲۰
- اربابی: «آن جا را اعم از خالصه و اربابی منضبط نمایید» ۲۱۴
- آزاره: «حجاران در حجاری میل های سنگی و آزاره های مثایه دو مهار پل غایت صنعت خود را به ظهور می رسانند» ۲۳۲، ۲۲۴
- اسباب آبدارخانه: «اسباب قهوه خانه و آبدارخانه ... منظم و مهیا و آماده [است]» ۲۶۳
- اسباب آشپزخانه: «از حیث ملزومات و آمادگی اسباب اطاق های مسکن .. و اسباب آشپزخانه ... بعینه مانند میهمان خانه کهریزك [است]» ۲۱۹، ۲۱۶
- اسباب اصطبل: «از حیث اسباب میهمان خانه بالتمام از فروش ... و آبدارخانه و اسباب اصطبل و کالسکه خانه و غیره منظم و مهیا و آماده [است]» ۲۱۶، ۲۱۹
- اسباب جراثقال: «لیکن به واسطه اسباب جراثقال و بعضی ملزومات حمل و نقل نمی توان ... نمود» ۲۴۳
- اسباب چراغ: «در تهیه و ملزومات و آمادگی اسباب اطاق های مسکن و اسباب چراغ بعینه مانند میهمان خانه کهریزك [است]» ۲۱۹
- اسباب چراغ از لاله و لامپا از نمره های اعلی همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۶

- اطاق ستاره‌ای: «مشمول بر اطاق تختانی و فوقانی و ستاره‌ای...» [است] ۲۳۲
- اطاق سه‌دری: «هریک مشتمل بر نه اطاق که یک اطاق سه‌دری در وسط و چهار اطاق در طرفی...» [است] ۲۳۰، ۲۶۰
- بارانداز: «این کاروانسرای است که منزلگاه و بارانداز قوافل و مکاریان است» ۲۴۵، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۴۶
- باروت: «به باروت و دیلم و بعضی آلات دیگر قطعات و پارچه‌های سنگ... بیرون آمده» [است] ۲۴۳
- بازمانلو: «بقال قتال باژمانلوی قمرودی پرزور [است]» ۲۶۴ (رعیت (قمرود) با جمالو و علی‌اللهی هستند طهارت نمی‌گیرند و ضو نمی‌سازند) تاریخ دارالایمان قم، محمد تقی بیگ ارباب، ص ۱۱۴ «هر شب تارو طنبورو سورو سرود دارند. طایفه بژمانلو هستند» کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، محمد تقی بیگ ارباب، ص ۱۲۰ «با جمالو: آدم تودار و سرنگهدار» فارسی قمی، علی اشرف صادقی. ص ۲۹ «در لهجه قمی به معنای آدم مودی وزیرک و آب زیرکاه است.»
- باغچه بندی: «جناب مستطاب وزیر علوم آقای تهندس باغچه بندی و طراحی گل کاری به باغبانان فرمودند» ۲۴۱، ۲۲۶
- باغچه بندی غیر مشجر: «اطراف حوض باغچه بندی غیر مشجر و منظم ولی گل کاری و سبز و خرم [است]» ۲۶۳
- باغستان: «این قلعه مشتمل است به چهل خانوار شاهسون و باغستانی مشجر به اشجار انار [است]» ۲۲۷
- بالا آوردن: «با سنگ‌های عریض و طویل و شفته آهک چیده و بالا آورده [است]» ۲۲۵
- بالاخانه: «اما عمارت فوقانی مشتمل بر شش اطاق بالاخانه [است]» ۲۷۴
- بایز: «در ذیل آن اراضی دیگر است که اکنون بایر ولی قابل دایر شدن و جزو باغ می‌توان گردد» ۲۴۰، ۲۴۲
- بذرافشانی: «کد خدا و سایر رعایا را خواستند و سفارش در امر بذرافشانی آن جا شده» ۲۱۴ «با کمال اهتمام امر به تخم کاری و بذر افشانی نمودند» ۲۲۱، ۲۴۵
- بز: «برزخ بین جبال و برو تلال و بحر است» ۲۴۸، ۲۴۹
- بنای کاشانی: «از بی سامانی و پیریشانی اگر او را کسی نمی‌شناخت می‌پنداشت عملاً قمی یا بنای کاشانی [است]» ۲۶۴
- بندکشی: «پس از دقت معلوم شده که آهک کاری در ظاهر بندکشی شده وسط کار با گل ساخته شده [است]» ۲۲۴
- بنگی: «بنگیان به بنگ مفتون [اند]» ۲۶۴
- بهاربند: «انباز بزرگی و اصطلب که سی رأس

ذرع ونیم و سه ذرع طول ونیم ذرع و سه چارک و یک ذرع عرض [دارد]» ۲۲۵ «از يك پارچه سنگ حجاری شده [است]» ۲۳۴ «تمام سنگی که بیرون می آید می کنند و پارچه پارچه و قطعه قطعه ... حمل و نقل می کنند» ۲۴۳ «پس از این دو پارچه کوه، دیگرپستی و بلندی نیست» ۲۴۴ «دو پارچه کوه محاذی قلعه سنگی مجرای سیلی است» ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۲، ۲۴۵ پای کار: «سنگ های قوی از يك فرسنگ و نیم بار کرده و همان جامه های پای کار نموده [است]» ۲۶۹ پرداختن: «پل را ساخته و پرداخته با نهایت استحکام قریب به فراغت و اتمام یافتیم» ۲۲۴ پس کار: «تازیرسقفهای اطاق ها و طویله ها از پس کار، ولی پیش کار و سقف ها تمام با آجر و گچ در کمال استحکام [است]» ۲۶۲ پستو: «بجای اصطبل شش اطاق پستوی اطاق های طرفین دالان ... و در خروج و دخول است» ۲۴۹ پشت بند: «به منزله دو مثایه ای است که آب بر جلو و معین و پشت بند پایه هاست» ۲۲۵ پشته چاه: «در حال مقنیان را امر می فرمایند به حفر چند پشته چاه که بر آب اولی آن افزوده گردد» ۲۶۰ «این چند پشته چاه قدیمی است» ۲۶۳

اسب گنجایش بستن داشت با بهار بند بزرگی» ۲۱۷ بهره زراعتی: «لیکن هنوز از این آب بهره زراعی برده نشده [است]» ۲۲۹ بی پا و سر نباش: «از بی پاسران نباش [است]» ۲۶۵ بیفتک سیب زمینی: «از بیفتک سیب زمینی فرنگی مآبی کردیم» ۲۴۱ ایرانی منشی: «از چغندر باغ لب به لبوی ایرانی منشی آلودیم» ۲۴۱ بینه: «ببست نفر در بینه به استراحت رخت می کنند و در گرم خانه به آسودگی می نشینند» ۲۳۸ پارچه پارچه: «لابد تمام سنگی که بیرون می آید پارچه پارچه و قطعه قطعه ... می کنند» ۲۴۳ پارچه سنگ: «این مرتبه هم نیز مفروش به پارچه های سنگ طویل و عریض حجاری شده صاف [است]» ۲۳۲ «تختی از دو پارچه سنگ يك ذرع ونیم طول هر يك بر دو پایه سنگی قرار داده شده [است]» ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۶ پارچه: «پل را دو چشمه و دو دهنه ساخته که يك پارچه در وسط رودخانه و اتکای دو طرف دو سقف دو دهنه روی آن يك پایه بوده [است]» ۲۲۳ «سنگ های حجاری شده صاف که هر پارچه از آن سنگ ها دو

- پناه خواهی: «کسی به دادخواهی و پناه خواهی آمده [است]» ۲۶۵
- پی: «پی دهنه‌ها و پایه‌ها از پنیج ذرع کف رودخانه حفر شده است» ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۳۷
- پیش بند: «اما پیش بند که جلو آب است» ۲۷۰
- پیش کار: «ولی پیش کار و سقف‌ها تمام با آجر و گچ در کمال استحکام [است]» ۲۶۲
- پیمان: «مدعی است که مساحت کرده‌ام این راه به دو فرسخ شماره ذرع و پیمان نزدیک تراست» ۲۴۷
- تخته سنگ: «از تخته سنگ‌های هزاره سه ذرعی ... حجاری شده صاف ساخته شده [است]» ۲۷۰
- تخم کاری: «با کمال اهتمام امر به تخم کاری و بذرافشانی نمودند» ۲۱۴، ۲۲۱
- تعارف باغبانی: «قدری کاه و پیاز و چغندر به رسم تعارف باغبانی آوردند» ۲۲۷ «گاهی ممیزی اثمار اشجار را گوش زد باغبانان کرده تا تعارفات انجیر و انار آتیه حاجی از نظرشان محو نشود» ۲۴۷
- تلال و وهاد: «آن چه تلال و وهاد ملك الموت دره و غیره آن جا آن چه به نظر می آید از سر این برج دیده می شود» ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۰
- ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۷۲ «پس از آن وارد تلال و وهاد کوه کنار گرد شدیم» ۲۱۷
- تنگ بزرگ بلوز: «از آینه‌های بزرگ و تنگ‌های بزرگ بلور [است]» ۲۵۸
- تنوره آسیا: «مجرای آب که متصل به تنوره آسیا است با سنگ و آهک ساخته شده [است]» ۲۴۰
- تهندس: «چرا باید به این تقلب و خلاف تهندس مهندس و سرکار به سزای خود نرسند» ۲۱۶ «بعضی ایرادات علمی و عملی بر تهندسات خط جاده و راه و تقلبات معماری ... داشتند» ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۷
- جامه گاه: «جامه گاه از یک پارچه سنگ مشبک مانند یک کاسه منعکس [است]» ۲۳۷
- جدول: «قبل از آن که آب در آسیا و عمارت داخل شود، جدولی جدا شده و بالاتصال داخل حوض‌های حمام ... می شود» ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲
- جلگه شن زان: «این قلعه در جلگه شن زاری واقع است» ۲۲۷
- جلگه: «از این دو سرازیری که گذشتیم باز راه در جلگه واقع شده و خط جاده به جانب جنوب امتداد یافت» ۲۲۳، ۲۲۶
- جلو خان: «جلو خانی تشکیل یافته از برای کاروانسرا که موجب شکوه کاروانسرا گردیده [است]» ۲۱۸
- جلو آب: «اما پیش بند که جلو آب است»

- ۲۷۰ «دیگر طرف غربی پل که جلو آب است» ۲۷۰، ۲۲۵
- چستن: «یکی گفت باید چست و برهنه اش نمود» ۲۶۶
- چشمه: «این پل يك چشمه است» ۲۱۶ «این پل ... مشتمل است به پنج دهنه و چشمه» ۲۷۰ «دو پل دو دهنه و دو چشمه ساخته [است]» ۲۲۳ «دو چشمه پل پنج دهنه [است]» ۲۲۴
- چوب بست: «ایوان که اطرافش چوب بست است» ۲۷۳
- چینه کشی: «تمام این عمارت چینه کشی است چه اطاق ها و چه اصطبل ها و انبارها» ۲۱۵
- چینه: «روی چینه را با خشت طاق زده اند» ۲۱۶
- حجره: «يك حجره سه دری در وسط و شش اطاق يك دری طرفی [دارد]» ۲۶۱
- حوض خانه: «آب مذکور قنات علی آباد از حوض خانه به آب نمای وسط ... روان [است]» ۲۳۱، ۲۳۳
- حوض مدور: «حوضی مدور يك ذرع دريك ذرع در وسط این اطاق که حوض خانه مختصری است وجود دارد» ۲۳۱، ۲۳۷
- حوضچه: «مرتبه ثانیه حیاط مشتمل است به حوضچه و آب نما» ۲۳۱، ۲۳۲
- حیاط دو درجه: «اما جلو این ایوان و دو راهرو حیاطی است دو مرتبه و دو درجه» ۲۳۱
- حیاط دو مرتبه: «اما جلو این ایوان و دو راهرو حیاطی است دو مرتبه و دو درجه» ۲۳۱
- چارک: (واحد اندازه گیری حجم آب) «آب از این جا به قدر یک چارک از دامنه کوه عقب مهمان خانه جاری [است]» ۲۵۹ (واحد اندازه گیری قطر، ارتفاع و طول سنگ) «دو سنگ فوقانی و تحتانی آسیایك ذرع دريك ذرع مدور، قطر هریك، يك چارك [است]» ۲۴۰ «روی این دهنه وسط سه میل چارکی از آجر و گچ ساخته شده [است]» ۲۱۵ «از يك پارچه سنگ يك ذرع و نیم طول سه چارك عرض حجاری شده [است]» ۲۳۲ «مشتمل است بر هشت ستون سنگی دو ذرع چارك کم ارتفاع و هشت دهنه» ۲۳۷
- چاهی: (نوشیدنی دم کردنی معروف) «هر که بخواهد وارد نشود می تواند همان جانشسته چاهی بخورد و قلیان بکشد» ۲۲۸، ۲۳۶ (گویا تلفظ رایج بوده است: بنگرید به: کتابچه گزارش راه جدید طهران - قم، مجله میراث شهاب، ش ۷۱، ص ۱۰۷)
- چرك و چکنه: «مانند الوار که کیلویه ... چرك و چکنه [بود]» ۲۶۴

- خالصات دیوانی: «این قریه از خالصات دیوانی و به اجاره سقاباشی [است]» ۲۱۴ خالصه: «آن جا را اعم از خالصه و اربابی منضبط نمایید» ۲۱۴ خانه گلی: «هفت خانه گلی بر سر آب ساخته [اند]» ۲۲۷ خرده و ورقه شدن: «سنگ این معدن ... نه رخوه و سست است که به زودی خرده و ورقه شود» ۲۴۳ خرگدایی: «در سر هر خیابان و راهی به تکی و اصرار و خرگدایی ... خود را از خرج و خوردنش منع کردم» ۲۶۶ خزند: «به فاصله یک خزند یک ذرع و چارک عرض، دریاچه بزرگی است» ۲۳۳ «ذیل عمارت در دیواره زیر خزند لبة دریاچه ناودانی ... [است]» ۲۳۴ خزانه: «خزانه این دو حمام از یک دیگ گرم می شود» ۲۳۸ خزینه: «از ته خزینه ناخن پنجه پانمیان است» ۲۳۸ خشك كاز: «ابتدای این قنات مقنی گذارده اند و پشتته های جدیده خشك كار حفر می کنند» ۲۶۳ خط جاده: «خط جاده از حضرت عبدالعظیم تا مسافت هزار قدم به جانب مغرب امتداد دارد» ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰

درگاه: «لیکن وضع حالی عمارت سقفی یا درگاهی دیده نشد مگر خراب و شکست خورده» ۲۱۶ «بعضی امکانه ملزومه عمارت [است] با درگاهی برای آمد و شد عقب عمارت» ۲۳۵، ۲۳۱، ۲۶۲

دره ماهور: «اقتادیم در دره ماهور کناره گرد» ۲۱۴ «به دره ماهور رودخانه شور راه منتهی شد» ۲۲۳ «خط جاده به دره ماهور منتهی گردید» ۲۶۱، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۷، ۲۶۰

دست انداز: «بناها مشغول به دست انداز و لبه سازی و آجرکاری مبتدا و منتهای پل [بودند]» ۲۲۴ «دیگر هشت میل سنگی دو ذرع طول که چهار از آن دو میل بر مبتدای دو دست انداز طرفین پل و دو میل بر منتهای دو دست انداز از طرفین منصوب [است]» ۲۷۱

دست: (واحد شمارش خانه) «مثل یک دست خانه که دو خانوار بتوانند آن جا گذران کنند» ۲۶۲

دستگاه: «در دستگاه آقا باقر خان نهار رنگینی صرف شده [است]» ۲۷۲

دلیجان: «کالسکه ها را گذاشته تا کالسکه چی ها دلیجان را ساخته از عقب برسند» ۲۵۷، ۲۱۳، ۲۶۰، (دلیجان هشت نفر را حمل می کند، تاریخ و جغرافیای قم، غلامحسین افضل الملک، ص ۵۰)

دماغه کوه: «به دماغه کوه کاره گرد رسیدیم» ۲۱۷

دهنه: (در وصف ایوان) «ایوان ها یازده دهنه [است]» ۲۱۵ (در وصف پل) «در پل دو دهنه و دو چشمه ساخته [اند]» ۲۲۳ «سربینه و رخت کن حمام مردانه ... مشتمل است بر هشت ستون سنگی ... و هشت دهنه که چهار دهنه بزرگ چهار صفة رخت کن [است]» ۲۳۷

دهنه: (در وصف چشمه های پل) «چشمه های پل پنج دهنه [است]» ۲۲۵ (در وصف قنات) «قریب به دهنه قنات استخری سه چارک عمق و ده ذرع مدور دهنه ... ساخته [اند]» ۲۴۶، ۲۲۷، ۲۷۰، ۲۷۱

دیده بان: (چشم انداز؟) «تمام تلال و وهاد کوه داغ و طرف غربی دریاچه ساوه را ... دیده بان است» ۲۳۰

دیوار چهارچینه: «اما باغ تقریباً هشتاد هزار ذرع زمین را دیواری چهارچینه بدون کاگل دور او کشیده [اند]» ۲۲۶

دیواره: «ذیل عمارت در دیواره زیر خزند ... قرار داده اند» ۲۳۴

راه آب: «از آن جا که زیر جاده راه آبی ساخته شده که آن آب به حوض قهوه خانه می رود» ۲۳۴، ۲۳۵

راه را برگرداندن: «اکون میرزا نظام راه را برگردانده، به نقطه حقیقی جنوبی امتداد داده [است]» ۲۱۳

- راه‌سازی: «این نوع تهیه و تدارک آماده برای راه‌سازی و بنایی و تعمیر جاده کمتر دیده می‌شود» ۲۶۹
- رخت‌کن: «سربینه و رخت‌کن حمام مردانه وضعاً مشتمل است بر...» ۲۳۷، ۲۳۸
- رُك: «بقدر پنج رُك با آجر و گچ چیده و ساخته شده [است]» ۲۱۸
- رشته: (واحد شمارش قنات) «چند رشته قنات حفر نموده [است]» ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۱
- زاویه منعکس: «دو زاویه منعکس از عقب رسم [شده] و دو گوشه از پیش [است]» ۲۳۲
- سئیس خانه: «در تهیه و ملزومات و آمادگی اسباب اطاق‌های مسکن و... سئیس خانه و کالسه که خانه بعینه مانند میهمان خانه کهریزك [است]» ۲۱۹
- ساروج: «هیچ آهک و ساروجی به کار نرفته که آب بندی شود» ۲۱۸، ۲۱۶
- سبزی‌کاری: «بعضی قطعات دیگرش سبزی‌کاری از بقول و تماماً مئمر و ماکول [است]» ۲۴۱
- ستاره: «ستاره‌های بام از چهار جانب خراب شده [است]» ۲۴۸
- سراب‌نما: «منظر این ایوان و حوض خانه تا ده فرسخ که سراب غناست واقع شده [است]» ۲۳۱، ۲۵۰
- سرازیر: «بقدر نیم فرسخ شن زار و سرازیر [است]» ۲۶۹
- سرازیری: «باید کوه بری و تسطیح سرازیری شود» ۲۵۷
- سربینه: «لبه حوض سربینه از یک پارچه سنگ مثن شکل [است]» ۲۳۷، ۲۳۸
- سردن: «از طرف شرقی که جلودرو سردر کاروانسراست» ۲۱۸، ۲۳۱، ۲۶۲
- سرقلیان: «از این سنگ هم به توسط خراطی ظروف زیادی مثل... سرقلیان ساخته شد» ۲۴۴
- سرکار: «از بیتوته در این مهمانخانه که از بی‌اهتمامی سرکارش او هن من بیت العنکبوت است جان به سلامت بردیم» ۲۲۳ «جناب اجل تمام بنا و عمله و سرکاران را به فراخور مراتب انعام داده و... تشویق نمودند» ۲۷۲ «معماران بناها را به کار داشته، سرکاران عمله جات را بیکار نگذاشته [اند]» ۲۲۴ (از این عبارت فهمیده می‌شود سرکار کسی است که بر عمله‌ها نظارت داشته است)، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۵۷، ۲۶۹، ۲۷۳
- سرکاری: «بعضی ایرادات علمی و عملی بر تهندسات خط جاده و راه و تقلبات معماری و سرکاری مهمان خانه و پل‌سازی در عرض راه داشتند» ۲۲۱ «نه از سرکاری آقا باقرونه اهتمامات و مساعی آمرونه از کاردانی معماران ماهر [است]» ۲۲۶، ۲۳۱

سنگ کاری: «اما پیش بند که جلو آب است از حد سنگ کاری به بالا ... به یک نیمه آجر منتهی می شود» ۲۷۰ «به طوری سنگ کاری شده که اگر با آجر ساخته می شد به این صافی و مستقیمی نبود» ۲۷۰، ۲۲۵، ۲۱۸	سقاباشی: «جناب اجل اول شب به خانه سقاباشی تشریف بردند» ۲۱۲
سنگ کش: «تقریباً سیصد نفر عمله و بنا و سنگ کش [دیدیم]» ۲۶۹	سقف دو مرتبه: «اما سقف رادو مرتبه بنا کرده اند برای استحکام که در واقع دو سقف زده شده [است]» ۲۷۰، ۲۷۱
سنگ کشی: «عمله ها اشتغال داشتند به شن ریزی و سنگ کشی برای سنگ بست روی پل» ۲۲۴	سکوی پس بند معین: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده [است]» ۲۷۰
سنگ لبه دار: «بقیه با سنگ هایی لبه دار و در کمال صافی و نظم و گچ فراوان ساخته شده [است]» ۲۴۹ «با سنگ های بسیار صاف خوب لبه دار و کج ساخته شده [است]» ۲۱۸	سکوی پس بند: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده [است]» ۲۷۰
سنگ و آهک: «عمق یا ارتفاع تنوره هست ذرع که با سنگ و آهک به نهایت مستحکم بنا کرده اند» ۲۴۰	سکوی پیش بند: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند تا جایی است که سنگ کار شده [است]» ۲۷۰
سنگ: «واحد اندازه گیری آب» (قدر آب اکنون يك سنگ و نیم زیادتر است» ۲۲۸ «الحال تمام این چهار سنگ آب بلاش [فاش؟] از دهنه خارج شده به اراضی و سبخه فرو می رود» ۲۵۱ «دو سنگ آب جاری کرده تا تهیه زراعتی شود» ۲۶۳ (بزار آسیا) «دو سنگ فوقانی و تحتانی آسیایك ذرع دريك ذرع مدور [است]» ۲۴۰	سنگ بست: «به جز قدری شن ریزی و سنگ بست معبر روی پل و قدری از این دو مثایه و برجین باقی مانده [است]» ۲۲۴، ۲۷۱
	سنگ چین: «برای حفظ از آب باران که پشت سنگ چین نیفتد» ۲۱۸
	سنگ چینی: «بناها و عمله جات مشغول بودند به سنگ چینی راه» ۲۶۹
	سنگ غیر تراش: «از بنیان و پی با سنگ های غیر تراش طبیعی و مدار با گچ بسیار ساخته شده [است]» ۲۶۲ «بنای قلعه از گچ و سنگ غیر تراش ولی در نهایت صافی و استقامت [است]» ۲۵۰

- سنگ ازاره: «هم چنین قالب سکوها با سنگ ازاره واداشته شده [است]» ۲۳۶
- سیل برگردان: «بعد از حفر خندق و سیل برگردان و خرج فراوان کاروانسرا را از رهگذر بلانجات دادند» ۲۲۹
- شاه نشین: «دو خلوت سرپوشیده مشتمل بر چهار شاه نشین [است]» ۲۴۹
- شب نشینی: «جناب اجل با همراهان کنار دریاچه مذکوره در عمارت شب نشینی نمودند» ۲۷۳، ۲۶۴، ۲۵۷
- شربت خوری: «از این سنگ هم به توسط خراطی ظروف زیادی مثل ... شربت خوری و.. ساخته شد» ۲۴۴
- شفته آهک: «با سنگ های عریض و طویل و شفته آهک چیده و بالا آورده [است]» ۲۲۵
- «با سنگ و شفته آهک محکم چیده شده [است]» ۲۳۷، ۲۵۵، ۲۲۶
- شکارگاه: «این قلعه عمارت سلطانی است در شکارگاه» ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۶۰
- شکست خوردن: «با این که جدید البنا است چندین شکست قبیحی خورده [است]» ۲۱۷
- «از بناهای میرزا نظام که الحال شکست خورده خراب است» ۲۱۷
- شلوار شلخته سرداری: «مانند کیخاهای الوار که کیلویه ... شلوار شلخته سرداری [پوشیده بود]» ۲۶۴
- شمد: «تمام اسباب ملزومات مهمان خانه مثل ... رخت خواب و فروش و پتوها و شمدها ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۶
- شن کش: «تقریباً سیصد نفر عمله و بنا ... شن کش [دیدیم]» ۲۶۹
- شن ریزی: «به جز قدری شن ریزی و سنگ بست معبر روی پل ... باقی مانده است که عملاً قریب به اتمام است» ۲۷۱
- شوره زاز: «شوره زار ایست که امتداد به سمت سمنان ... دارد» ۲۵۳
- صاحبان عریض: «صاحبان عریض و نوشتجات را با نهایت مهربانی ... حوائج و مآرب هر یک را برآوردند» ۲۲۱
- صفه: «وضع قهوه خانه از دوران و برون مثنی، درون قهوه خانه مشتمل بر چهار صفه و فاصل بین صفه ای با صفه ای بقدر درگاهی که يك ذرع عرض او است» ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷
- صندوق خانه: «پهلوی قهوه خانه عمارتی بنا نموده اند که مشتمل بر دو اطاق و دو صندوق خانه [است]» ۲۱۷
- طاق نمای بارانداز: «اصطبل های طویل و عریض با طاق نماهای بارانداز کاروانیان در زمستان [دارد]» ۲۶۲
- طاق نمای بخاری دان: «در ظهر حجرات واقعه در چهار ضلع طویل های عریض و طویل

- مشمتمل بر طاق نماهای بخاری دار برای بارانداز مکاریان [است]» ۲۳۰ طاق نما: «پشت اطاقها سرتاسر طویله‌های عریض و طویل مسقف است مشتمل بر طاق نماها برای بارانداز» ۲۱۹، ۲۶۲
- طاقی يك لایسی: «روی آن را بانیمه آجر طاقی زده اند يك لایی» ۲۱۶
- طبخ کوره: «و معدن گچ مثل این معدن کمتر دیده شده در سفیدی رنگ و قبول طبخ کوره و نداشتن سنگ» ۲۴۴
- علاقی: «يك دكان بسیار بزرگی که مشتمل است بر سه دكان بقالی و نانوايي و علاقي» ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۳۹، ۲۶۲، ۲۶۹
- علیق: «نه ما را می گذارند بر سرخانه خود رویم و نه نان و نه آب و علیق به ما می دهند» ۲۱۵
- عمل آسیا: «عمل آسیا در شبانه روزی يك خروار و نیم است» ۲۴۰
- عمله جات: «سرکاران عمله جات را بیکار نگذاشتند» ۲۲۴ (بعد از سرکاران «را» یی زائد بود که حذف شد)
- عمله قمی: «از بی سامانی و پریشانی اگر او را کسی نمی شناخت می پنداشت عمله قمی است» ۲۶۴
- عمله: «جمیع وسائل معیشت عمله بنا با نهایت آراستگی و پیراستگی حاضر و مهیا [است]» ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۴۹، ۲۲۴
- غلام خانه: «دیگر مقابل این غلام خانه انبار و عمارتی دیگر ساخته شده که مخصوص است برای ذخیره کاه و جو» ۲۱۸
- فراز و شیب: «فراز و شیب تندی دارد» ۲۴۷، ۲۵۷
- فرنگی مآبی: «از بیفتك سیب زمینیش فرنگی مآبی کردیم» ۲۴۱
- فیافی و فلوات: «ساعی خیرات در این فیافی و فلوات دور از آبادی و ولایات که در واقع مورث حیات عابرین و مبعث اموات مسافرین است» ۲۳۸
- قاطرچی: «یکی از آن ها در قدیم الایام قاطرچی بوده [است]» ۲۶۷
- قاطرخانه: «شخص قاطرچی از راندهای قاطرخانه بوده [است]» ۲۶۷
- قراء خالصه: «مخصوصاً به قراء خالصه اطراف حسن آباد گماشته ای فرستادند» ۲۲۱
- قراسوران: (محافظان جاده) «پنج نفر قراسوران تهران آن جا بودند بالباس های مندرس که به وصف نمی آید» ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۲
- قراسوران به معنی «سیاهی پرس» است. از آن که اینها در بیابان و غیره‌ها، چون در شب سیاهی را ببینند، مثل مستحفظین فارسی می گویند: سیاهی کیستی؟ لذا اینها را «قراسوران» گویند. تاریخ و جغرافیای قم،

- افضل الملک، ص ۴۵، تفصیل معنا در همین صفحه دیده شده است).
- قراول خانه: «بر سر هر سه فرسخی قراول خانه ساخته شود» ۲۲۲
- قدم: (واحد مسافت) «این معدن ... در اطراف غربی کاروانسرا و عمارت به مسافت شصت قدم پیدا شده [است]» ۲۴۳
- قلعه رعیت نشین: «جناب اجل آن جا را بنا دارند قلعه رعیت نشین کنند» ۲۵۰
- قلعه رعیتی: «در یک فرسخی حوض قلعه رعیتی ساخته شد» ۲۴۶
- قمارباز پاک باخته: (قماربازی که همه چیزش را از دست داده است. این عبارت در بین قماربازان و معتادان هنوز رایج است) «این قماربازان پاک باخته ... خراب به لباس اولیاء [اند]» ۲۶۵
- قهوه خوری: «از این سنگ هم به توسط خراطی ظروف زیادی مثل ... قهوه خوری و ... ساخته شد» ۲۴۴
- کارشیدن: «پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده» ۲۷۰
- کار کردن: (استفاده کردن) «آن جا آن گچ مرده را دوباره پخته و کار کرده [است]» ۲۵۰
- «پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده» ۲۷۰
- کالسکه چی: «کالسکه ها هر یک چهار اسبه با یک نفر کالسکه چی [اند]» ۲۱۳، ۲۵۷
- کالسکه: «دیگر بر سر هر سه فرسخ طویله بنا شود که اسب کالسکه و گاری عوض گردد» ۲۲۲
- «کالسکه ها هر یک چهار اسبه با یک نفر کالسکه چی [است]» ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۷، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۷۲ (کالسکه چهار نفر را حمل می کند، تاریخ و جغرافیای قم، افضل الملک، ص ۵۰)
- کالسکه خانه: «از سه طرف اصطبل و کالسکه خانه و انبارها [است]» ۲۱۹، ۲۱۶، ۲۵۸، ۲۶۳، ۲۷۴
- کاگل: «دیواری چهارچینه بدون کاگل دور او کشیده [اند]» ۲۲۶
- کتاب سفید نمره دار رضانامه: «کتاب سفید نمره دار رضانامه که هر که وارد شود واقعات خود را نوشته و اگر از مهمان خانه یا از مهمان دار و عمله و اجزاشکایت داشته بنویسد» ۲۱۶، ۲۵۹
- کرسی: «مراتب ثلاثه عمارت ... تا کف جاده که معبر عام است دو ذرع کرسی پیدا کرده [است]» ۲۳۳ «چون ارتفاع و کرسی عمارت از سمت جنوب شرقی دو ذرع [است]» ۲۳۴ «ارتفاع کرسی عمارت یک ذرع و نیم است» ۲۱۵۲۳۳
- کفه: «خط جاده را در تلال و جبال دیدند از کفه و کویر و زمین مسطح عبور نمودند» ۲۴۵

- «حد فاصل جبال وتلال و کفه و کویر و دریاچه است» ۲۴۸
 کلاه و ملال: «نگذارند يك نفر به استقلال آید که موجب کلال و ملال شود» ۲۶۴
 کلاه بز: «به صورت و کسوت درویش و بالمآل حقیقت کلاه بر [است]» ۲۶۵
 کلاه فرنگی: «تمام جلو با هشت ستون سنگی و هشت گوشه مشابه به نصف عمارات کلاه فرنگی متداوله گردیده [است]» ۲۳۷
 کنگره بروج: «در این بنا آجر کمتر بکار رفته، مگر در بعضی سقفها و کنگره بروج» ۲۴۹
 کنگره دوربام: «مشمتمل بر اطاق تحتانی و فوقانی و ستاره‌ای با کنگره‌های دوربام ... [است]» ۲۳۲
 کوره آجرپزی: «چند پارچه از این ظروف خراطی شده رادر کوره حدادی و آجرپزی گذاردند»
 کوره پز: «قریب به سیصد نفر بنا و عمله و کارگر از کوره پزو سرکار و میرزای محاسب همگی مستعد و مهیا در کار [بودند]» ۲۲۴
 کوره حدادی: «چند پارچه از این ظروف خراطی شده رادر کوره حدادی و آجرپزی گذاردند» ۲۴۴
 کوزه گل دستی: «اطراف این دو باغچه به انواع مختلف کوزه های گل دستی چیده شده [است]» ۲۳۲
 کوه ببری: «باید کوه ببری و تسطیح سرازیری شود» ۲۵۷
 کیخای الوار که کیلویه: «مانند کیخاهای الوار که کیلویه [بود]» ۲۶۴
 کیسه بز: «به صورت و کسوت درویش و بالمآل و حقیقت کلاه برو کیسه بر [است]» ۲۶۵
 گاری: «بر سر هر سه فرسخ طویله بنا شود که اسب کالسکه و گاری عوض گردد» ۲۲۲، ۲۲۶
 «گاری که فورقان نیز گویند ده نفر را حمل می کند.» تاریخ و جغرافیای قم، افضل الملک، ص ۵۰
 گچ پز: «سنگ کش و شن کش و گچ پز [دیدیم]» ۲۶۹
 گچ مرده: «گچ مرده را دوباره طبخ کرده و در بنای این کاروانسرا به کار برده [اند]» ۲۳۰
 گرفتن: (سبز شدن درخت) «با این که آن اشجار جدید الغرسند همه گرفته و منظم و اغصان و اوراقشان سبز و خرم [است]» ۲۴۰
 گدامنش: «با این گدامشان لثیم... هم قدم و هم صحبت و همدم شدیم» ۲۶۶
 گرم خانه: «در گرم خانه به آسودگی می نشینند» ۲۳۸، ۲۳۷
 گل بوقلمون: «از گل مخملی و بوقلمون مطرزو مصور [است]» ۲۴۱
 گل کوب: «از گل کوب و شمعدانی مشتعل و منور [است]» ۲۴۱

- گل مخملی: «از گل مخملی و بوقلمون مطرز و مصور [است]» ۲۴۱
- گل چینی: «بعضی گفتند این سنگ گل چینی است» ۲۴۴ «ظن متأخم به یقین آن است که معدن گل چینی است» ۲۴۴
- گلخن: «بعد از آن سقف گلخن و سقف کف حمام نیز با سنگ و آهک ... ساخته شده [است]» ۲۳۷
- گل کاری: «قطعات وسط به انواع ریاحین و آورده گل کاری [شده است]» ۲۱۷، ۲۳۳، ۲۴۱
- گوشه: «دو زاویه منعکس از عقب رسم و دو گوشه از پیش، پس حیاط وسیع تر گردیده [است]» ۲۳۲ «دو گوشه و زاویه ضلع مشرقی ایست» ۲۶۲، ۲۳۷، ۲۴۸
- لات بی باک: «این لاتان بی باک ... خراب به لباس اولیاء [اند]» ۲۶۵
- گیوه بغل دریده: «مانند خوانین اترک قشقایى ... گیوه بغل دریده [به پا داشت]» ۲۶۴
- لامپا: «اسباب چراغ از لاله و لامپا ... موجود و مهیا [است]» ۲۱۶
- لبه سازی: «بناها مشغول به دست انداز و لبه سازی و آجرکاری [بودند]» ۲۲۴
- لشاب: «این جاده از لشاب و نی زار می گذرد» ۲۱۶
- لوح: «حجاران منبت کار ماهر بر لوحی از سنگ مرمر ... مشغول به کتب و نقرآن شدند» ۲۷۱
- لوطی سینه چاک: «این ... لوطیان سینه چاک خراب به لباس اولیاء [اند]» ۲۶۵
- ماهوت پاک کن: «تمام اسباب ملزومات میمانخانه مثل ... آینه های بزرگ، ماهوت پاک کن ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۶
- مبداء قنات: «مبداء این قنات در دامنه شمالی کوه داغ و جاری به و طرف جنوب شرقی [است]» ۲۲۹
- متکای طاق: «هر دهنه ای از این دو ایوان ستون سنگی یک پارچه به ارتفاع دو ذرع که عمود و متکای طاق ایوان است» ۲۳۲
- مثلث مخروط: «از جلو که آب بر است به وضع مثلث مخروط کم شده تا منتهی به نقطه می شود» ۲۲۵
- مثنایه: «حجاران در حجاری میل های سنگی و اندازه های مثنایه دو مهاریل غایت صنعت خود را به ظهور می رساندند» ۲۲۴
- «دو منتهای پیل دو مثنایه بنا شده دو ذرع عرض و پنج ذرع طول» ۲۷۱، ۲۲۵، ۲۲۶
- محاسب: «چندین ... آفتاب گردان و نهارخوری برای محاسب و معمار ... مشاهده شد» ۲۶۹
- مداخل زراعت ارباب و رعیت: «حاجی ممیز که از ادله قدم و پیش قدمتر سنا از همه بودند ... تعیین مداخل زراعت ارباب و رعیت زمان حالیه و بعد از این را می نمودند» ۲۴۱

- مربع متساوی الاضلاع: «درش رو به جانب جنوب باز می شود. مربع متساوی الاضلاع شصت ذرع در ذرع مشتمل بر هفت برج [است]» ۲۴۸
- «گر مخانه وضعاً مربع متساوی .. است» ۲۳۸
- مسمی: «از باد نجانش مسمی خوردیم» ۲۴۱
- مسینه آلات: «سایر ظروف چینی و مسینه آلات ... مانند مهمانخانه کهریزک [است]» ۲۱۶، ۲۱۹
- معین پایه: «به منزله دو مثنایه ای است که آب بر جلو و معین و پشتبندها پایه هاست» ۲۲۵
- «و هم چنین يك ذرع و نیم از پس پایه که معین پایه است» ۲۲۵
- منزلگاه: «مخصوص منزلگاه عابرین و مسافرین در عرض راه ری و قم است» ۲۴۸، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۴۵
- مهار: «حجاران در حجاری میل های سنگی و ازاره های مثنایه دو مهار پیل غایت صنعت خود را به ظهور رساندند» ۲۴۲ «این دو مثنایه به منزله دو مهار است» ۲۲۶، ۲۷۱
- مهتابی: «در جلو مهتابی وسیعی که منظر آن رودخانه و شهر قم [است]» ۲۷۴
- مهمان دار: «اگر از مهمانخانه یا از مهمان دار و عمله و اجزاء شکایت یا رضایت داشته، بنویسد» ۲۵۹
- میدان: (واحد مسافت) «باز به قدر يك میدان از این جا گذشتیم» ۲۱۴ «زیاده از يك میدان اسب بیش نیست» ۲۱۹ «از کاروانسرا سنگی که در يك میدانی آن جا است» ۲۲۹
- میرزای محاسب: «قریب به سیصد نفر بنا و عمله و کارگر از کوره پز و سرکار و میرزای محاسب همگی مستعد و مهیا در کار [بودند]» ۲۲۴
- میل سنگی: «حجاران در حجاری میل های سنگی و اندازه های مثنایه دو مهار پیل غایت صنعت خود را به ظهور می رساندند» ۲۲۴، ۲۷۱.
- میل سه چارکی: «روی این دهنه وسط، سه میل سه چارکی از آجر و گچ ساخته شده [است]» ۲۱۵
- نادر ویشی: «یکی به نادر ویشی به گواهم ایستاد» ۲۶۶
- ناهار خوری: «چندین آفتاب گردان و ناهار خوری برای محاسب و معمار ... مشاهده شد» ۲۶۹
- نره گدای کلاش: «از نره گدایان کلاش [است]» ۲۶۵
- نیمه آجر: «روی آن را با نیمه آجر طاقی زده اند» ۲۱۶
- واداشتن: «قالب سکوها با سنگ ازاره واداشته شده [است]» ۲۳۶
- وافوری: «وافوریان مبهوت از افیون [اند]» ۲۶۵
- وتد: «این دو برج به منزله دو وتد است» ۲۲۶

وسخه: «به آن تلال مالحه و دره‌های مسیل و وسخه برخورداره [است]» ۲۲۹ «بعضی از تلال و وهاد دو دریاچه ساوه و اراضی وسخه کویرتاده فرسخ که سراب نماست واقع شده [است]» ۲۳۱، ۲۵۱

ومدار[؟]: «از بنیان و پی با سنگ‌های غیر تراش و مدار[؟] با گچ بسیار ساخته شده است» ۲۶۲

هزاره: «از تخته‌سنگ‌های هزاره سه ذرعی ... ساخته شده [است]» ۲۷۰

یخه پیراهن: «یخه پیراهن پاره [بود]» ۲۶۴

وقر: «بارانداز پنجاه شصت و قرغله دارد» ۲۴۰

